

کتاب پژوهش کارگری

بهار ۲۰۰۲

شماره ۶

خانه کارگر مانعی در مقابل ابتکارات مستقل کارگران
ناصر سعیدی

طبقه کارگر و حکومت اسلامی در ایران
هایده منیسی - سعید رهنما

نخستین تشکلات کارگری در ایران (بخش دوم)
جلیل محمودی

یادداشتی بر اسنادی از فرایند تشکیل
"انجمن بین‌المللی کارگران"
کامران نیری

دو گزارش کارگری از کشورهای آسیایی
محمد صفوی

کتاب پژوهش کارگری

بهار ۲۰۰۲

شماره ۶

خانه کارگر مانعی در مقابل ابتکارات مستقل کارگران
ناصر سعیدی

طبقه کارگر و حکومت اسلامی در ایران
هایده معینی - سعید رهنما

نخستین تشکلات کارگری در ایران (بخش دوم)
جلیل محمودی

یادداشتی بر اسنادی از فرایند تشکیل
"انجمن بین‌المللی کارگران"
کامران نیری

دو گزارش کارگری از کشورهای آسیایی
محمد صفوی

کتاب پژوهش کارگری، شماره ۶، بهار ۲۰۰۲

مؤسسين: زنده یاد میترا سترگ، ناصری سعیدی، یداله خسرو شاهی و جلیل محمودی

اسامی نویسندگان و مترجمینی که در این شماره نشریه قلم زده‌اند: جلیل محمودی، حسن گلریز، سعید رهنما، کارل مارکس، کامران نیری، محمد صفوی، ناصر سعیدی، هایده مغیش.

Postlagerkarte

آدرس:

Nr. 093739 C
30001 Hannover
Germany

Jalil.m@gmx.de

آدرس پست الکترونیکی:

فهرست

مطالب

نگارنده

صفحه

- | | | |
|---|------------|--|
| ۷ | ناصر سعیدی | خانه کارگر مانعی در مقابل ابتکارات مستقل کارگران |
|---|------------|--|

پیشینه خانه کارگر

چارچوب قانونی فعالیت شوراهای اسلامی کار

دامنه تغییر در سیاست‌های خانه کارگر
 انگیزه‌های سیاست جدید خانه کارگر
 نحوه دفاع از خواسته‌های کارگری
 حق اعتصاب
 آیا خانه کارگر «استحاله پذیر» است؟
 توضیحات

طبقه کارگر و حکومت اسلامی در ایران

۴۳ هایدن مینشی،
 سعید رهنما
 مترجم: حسن گلریز

تحول جنبش کارگری

ترکیب نیروی کار

سازوکارهای کنترل در حکومت اسلامی

چپ و طبقه کارگر: مبارزه برای دگرگونی

پیوست

یادداشت‌ها

نخستین تشکلات کارگری در ایران (بخش دوم)

۷۵ جلیل محمودی

حکومت‌های ایران بین سال‌های ۱۳۰۲-۱۳۹۹

اعتصابات معلمان

مبارزات اتحادیه کارکنان تلگراف‌خانه و پست

مخالفت با موجودیت اتحادیه‌ها
 «بیانیه اتحادیه عمومی کارگران طهران»
 «در ایران کارگر نداریم و تمام کارفرما هستند»
 توقیف روزنامه‌ها و فراخوان به اعتصاب عمومی

- ۹۴ کامران نیری یادداشتی بر اسنادی از فرایند تشکیل «انجمن بین‌المللی کارگران»
- ۱- رزمینه تاریخی
 ۲- اعلام وجود بین‌الملل
 ۳- نقش مارکس
 پی‌نویس و منابع
- ۱۰۴ کارل مارکس برگردان: کامران نیری آیین‌نامه موقت انجمن بین‌المللی کارگران
- ۱۰۸ «آیین‌نامه و مقررات اداری انجمن بین‌المللی کارگران»
- ۱۱۲ گزارشی از سخنرانی کارل مارکس به مناسبت هفتمین سال‌گرد انجمن بین‌المللی کارگران

وضعیت ایمنی و بهداشتیت شغلی کارگران در پاکستان
بخش ساختمان

معادن

بخش صنعت، رسمی و غیررسمی

کودکان کارگر و بهداشت و ایمنی شغلی

کشاورزی

آتش سوزی در کارگاه‌ها و مراکز صنعتی

زنان کارگر

مصاحبه با دبیر کنفدراسیون اتحادیه‌های کارگری کره جنوبی

www.KetabParzi.com

خانه کارگر مانعی در مقابل ابتکارات مستقل کارگران

ناصر سعیدی

از چهار سال پیش به این سو، شاهد تغییراتی در سیاست‌ها و خط منس خانه کارگر هستیم. دو سال است که زمزمه‌هایی نیز درباره اصلاح قانون شوراهای اسلامی کار به گوش می‌رسد. خانه کارگر و تشکل‌های وابسته به آن هر چه بیشتر ظاهری اتحادیه‌ای به خود می‌گیرند، برخی از مطالبات کارگران را مطرح می‌کنند و می‌کوشند توجه و پشتیبانی بخشی از کارگران را به خود جلب کنند. به سوازات این تحولات، گرایش در برخی از فعالین کارگری - چه در داخل و چه در خارج از کشور - به چشم

می‌خورد که می‌کوشد جهت‌گیری‌های خانه کارگر را «مثبت» ارزیابی نماید. این گرایش امکان‌گرا یا این تصور که شاید از طریق آن جهت‌گیری‌ها کارگران به بخشی از خواسته‌های‌شان برسند، حاضر است به خانه کارگر امتیازاتی بدهد و یا دست‌کم درباره ماهیت و عمل‌کردهای این نهاد دولتی سکوت نماید. گرایش مذکور هنوز ضعیف، پنهان و اظهاراتش شرم‌گیتانه است. اما هر چه خانه کارگر بیش‌تر خود را مدافع کارگران بنا بزند، آن گرایش نیز در آینده آشکارتر شده و صراحت بیشتری خواهد یافت.

در مقابل، همه کسانی که به ابتکار، حرکت و تشکل مستقل خود کارگران می‌اندیشند و خانه کارگر را مانعی در آن راه می‌بینند باید در انگیزه‌ها، مضمون، دامنه و اهداف تغییر جهت خانه کارگر تعمق کنند. عمل‌کرد نهادهای دولتی در محیط‌های کار برای کارگران علی‌السویه نیست. بر عکس، این نهادها - و ارگان هماهنگ‌کننده آن‌ها یعنی خانه کارگر - ممکن است با استفاده از امکانات گسترده‌شان تأثیرات مخربی بر مبارزات کارگران بگذارند و برای یک دوره آن را به قهقرا بکشانند.

بیش از یک سال و نیم پیش، جلیل محمودی به درستی در مورد خانه کارگر هشدار داد: «این ارگان وابسته به دولت اگر چه با بی‌اعتمادی کارگران روبه‌رو است، ولی به مثابه یک تشکیلات قدرت‌مند با شاخه‌های متعدد و بازوهای اجرایی‌اش در سراسر ایران، با شاخک‌های حس‌اش در محیط‌های کارگری، با ارتباطات گسترده‌اش با دستگاه حاکمیت، با چند هزار کارگزار و حقوق‌بگیرش، با روزنامه سراسریش، با جلسات و نشست‌های منظمش، با مجموعه تجارب ۲۰ ساله‌اش و ... و ... از امکانات مادی و آمادگی لازم برخوردار است که جنبش اعتراضی کارگران را تا حدود زیادی به کنترل و مهار خود درآورده، منحرف کند. انجام این وظیفه - با توجه به سردرگمی، پراکندگی و فلاکتی که کارگران با آن روبه‌رو هستند - برای خانه کارگر امکان‌پذیر است.» (محمودی، کتاب پژوهش کارگری، شماره ۴، تابستان ۲۰۰۰، ص ۲۵). امروز آن هشدار با شدت بیش‌تری صدق می‌کند.

در مقاله حاضر تلاش شده با ارائه شواهد و دلایل گوناگون و با تکیه بر اسناد پراکنده واقعی و اظهارات رهبران خانه کارگر، چندی چون خط مشی جدید این نهاد بررسی شود. در ابتدا نگاهی می‌اندازیم به سابقه تاریخی خانه کارگر. سپس قوانین جمهوری اسلامی در ارتباط با شوراهای اسلامی کار که رکن اصلی خانه کارگر را تشکیل می‌دهند بررسی می‌شود. این دو فصل بیش‌تر حکم مقدماتی بر موضوعات فصل‌های بعدی - یعنی بررسی ماهیت و جهت‌گیری‌های کنونی و چشم‌انداز حرکت آینده خانه کارگر - را دارند.

پیشینه خانه کارگر

خانه کارگر در اواخر دهه ۴۰ یعنی در زمان حکومت شاه تاسیس شد. هدف آن کنترل مبارزات کارگران و انداختن ناراضی‌ها به کانال‌های قانونی و قابل پیش‌بینی بود. پس از انحلال همه احزاب و ایجاد حزب دولتی رستاخیز در سال ۱۳۵۳، خانه کارگر تحت نفوذ بخش کارگری این حزب در آمد و به «سازمان کارگران ایران» تغییر نام یافت. در جریان انقلاب ۵۷ کارگران ساختمان «سازمان کارگران ایران» را به تصرف در آورده و آن را مجدداً «خانه کارگر» نامیدند. اما دیری نپایید که خانه کارگر به تصرف هواداران حزب جمهوری اسلامی و ایادی رژیم در آمد. به ابتکار حزب جمهوری اسلامی کمیته‌ای برای مبارزه با شوراهای واقعی کارگران و ایجاد تشکل‌های کارگری هوادار رژیم به وجود آمد. علی‌رضا محجوب (دبیر کلی فعلی خانه کارگر و عضو دفتر سیاسی حزب جمهوری اسلامی در آن زمان)، علی ربیعی (صاحب امتیاز روزنامه کار و کارگر، دبیر اجرایی شورای امنیت ملی و مشاور امنیتی خاتمی) و حسین کمالی (وزیر کار سابق) در آن کمیته عضویت داشتند.

حزب جمهوری اسلامی - و به درجه کم‌تری وزارت کار - در مقابل شوراهای کارگران، تشکل‌های بدیل خود یعنی انجمن‌ها و شوراهای اسلامی را ایجاد و تقویت می‌کردند. در این راستا وزارت کار در اوایل سال ۱۳۵۸ «اصول تشکیل شوراهای

کارکنان» را تدوین نمود. «شوراهای» مورد نظر وزارت کار نهادهایی برای تقویت جمهوری اسلامی و همکاری با مدیریت بودند. این موضوع از همان مقدمه «اصول» مذکور روشن بود: «دولت جمهوری اسلامی... در مواردی که مدیریت... آمادگی لازم را داشته باشند تشکیل شوراهای کارکنان مؤسسات را برای پیشبرد هدفهای جمهوری اسلامی مفید می‌داند.» (نقل قبول از نشریه کار، ۵ آذر ۱۳۵۸، ص ۶). به علاوه وظیفه شناسایی و جاسوسی کارگران مبارز و «تظاهرات» بر اعمال کارکنان نیز به عهده شوراهای اسلامی گذاشته می‌شد. چنانچه در باب وظایف نهادهای مذکور، آمده بود: «تظاهرات در رفتار فردی و اجتماعی کارکنان و ارشاد و توجه دادن آنها به مسئولیت‌های محوله.» (به نقل از همان منبع)

در بهمن ماه ۱۳۵۸ حزب جمهوری اسلامی موفق شد اولین «کنگره سراسری شوراهای اسلامی کار خانات» را برگزار کند. اما مهم‌تر از آن، نقش فعال حزب جمهوری اسلامی و کمیته پیشگفته در ایجاد انجمن‌های اسلامی در محیط‌های کار بود. انجمن‌های اسلامی نهادهای سیاسی - ایدئولوژیک رژیم هستند که نقش تبلیغ مبانی اسلام و دفاع از رژیم جمهوری اسلامی، شناسایی کارگران مبارز و مخالفت مستقیم با هر نوع اعتراض مستقل کارگری را ایفاء می‌کنند. (۱) انجمن‌های اسلامی که توسط خانه کارگر هماهنگ و هدایت می‌شدند نقش فعالی در سرکوب شوراهای واقعی کارگران و گسترش جو خفقان در محیط‌های کار داشتند. با به روی کار آمدن کابینه رجایی در مرداد ۱۳۵۹ و به‌ویژه با شروع جنگ ایران و عراق در شهریور همان سال، قدرت انجمن‌های اسلامی افزایش یافت.

در طول جنگ - و به‌ویژه در سال‌های اول جنگ - انجمن‌ها و شوراهای اسلامی و نهاد هماهنگ‌کننده آنان یعنی خانه کارگر، وظیفه جاسوسی در محیط‌های کار، همکاری با نهادهای امنیتی رژیم و بسیج جنگی را به عهده داشتند. همین وظایف باعث شد که هر چه زمان می‌گذشت و کارگران از رژیم و جنگ طلبی آن بیزارتر می‌گشتند، تشکلهای دولتی نیز منزوی‌تر شوند.

در چهارم دی ماه ۱۳۶۰ احمد توکلی، وزیر کار وقت، اعلام نمود که تشکیل شوراهای اسلامی کارکنان در واحدهای تولیدی، صنعتی، کشاورزی و خدماتی تا تصویب قانون مربوطه در مجلس، متوقف می‌شود. این در شرایطی بود که شوراهای واقعی کارگران سرکوب شده بودند و آقای وزیر احساس می‌کرد که حتی به وجود شوراهای دست‌پرورده خودشان نیز نیازی نیست. اما این سیاست مدت زیادی دوام نداشت.

با افزایش نسبی موارد اعتصابات و اعتراضات کارگری، رژیم نیاز به تقویت مجدد تشکلهای خود در محیطهای کار را احساس می‌کرد. در تاریخ ۳۰/۱۰/۱۳۶۳ «قانون تشکیل شوراهای اسلامی کار» به تصویب مجلس رسید و چهار روز بعد، از تصویب شورای نگهبان گذشت. در مهر ۱۳۶۴ «ابین‌نامه اجرایی قانون شوراهای اسلامی کار» نیز تصویب شد بدین ترتیب دور جدیدی از تلاش برای ایجاد شوراهای اسلامی آغاز شد.

در مجموع می‌توان گفت خانه کارگر و تشکلهای وابسته به آن در ضدیت با شوراها و مبارزات مستقل کارگری شکل گرفتند. آنها بدیل رژیم در مبارزه با تشکلهای کارگری بودند؛ نقش فعالی در تبلیغ ایدئولوژیک، شناسایی کارگران مبارز و پیشبرد سیاست‌های رژیم در محیطهای کار داشته و دارند.

امروز خانه کارگری‌ها که ظاهری خیرخواهانه و اصلاح‌طلبانه به خود گرفته‌اند، می‌کوشند گذشته‌نگین خود را واژگونه جلوه دهند. نمونه این ترفندها گفتگوی علی‌رضا محجوب با نشریه «اندیشه جامعه» مورخ مهر ۱۳۸۰ است. در آنجا محجوب به عنوان مثال می‌گوید: «تصرف ساختمان خانه کارگر توسط حزب الهی‌ها و با حمایت پاسداران را به گونه‌ای جلوه دهد که گویا وی و هوادارانش قصد داشته‌اند به‌طور دموکراتیک قضیه را حل کنند و خانه کارگر از نظر آنها تنها محلی بوده برای فعالیت سندیکایی» (اندیشه جامعه، شماره ۱۹، ص ۵۸). آقای محجوب به بی‌اطلاعی نسل جوان کارگران از حوادث اوایل انقلاب دل‌بسته است. و اگر کارگران قدیمی و همه

کسانی که در جریان مستقیم عملکرد نهادهای رژیم در محیط‌های کار بوده‌اند، ساکت بنشینند و تجربیات خود را به نسل‌های بعد منتقل نکنند، چه بسا امثال محجوب در عوام‌فریبی‌های خود موفق هم بشوند. (۲)

چارچوب قانونی فعالیت شوراهای اسلامی کار

مهم‌ترین ویژگی تشکل مستقل کارگری این است که با اراده آزادانه و مستقل کارگران پدید آمده باشد، برنامه، اساسنامه و وظایفش را اعضایش تعیین کنند، کارگران در فعالیت‌های آن سهیم بوده و در تمامی عرصه‌های کارش دخالت نمایند و بالاخره نهادهای مسئول این تشکل تنها به مجامع عمومی اعضای خود پاسخگو باشند، اما در مورد شوراهای اسلامی کار مسئله کاملاً بر عکس است.

چگونگی تشکیل شوراهای اسلامی، شرایط عضویت در آن‌ها، نحوه انتخابات و وظایف آن‌ها نه توسط مجامع عمومی اعضای این تشکل‌ها، بلکه از طریق تصویب «قانون تشکیل شوراهای اسلامی کار» و قوانین دیگر معین شده است. دولت و مدیریت قانوناً بر تمام فعالیت‌ها، تصمیمات و حتی بر مناسبات درونی شوراهای اسلامی کنترل دارند و قادرند به انحاء گوناگون این تشکل‌ها را به زائده خود بدل نمایند. برای آن که ابعاد قضیه روشن شود، به موارد زیر توجه کنید: (۳)

- شورای اسلامی کار «به منظور تأمین قسط اسلامی و همکاری در تهیه برنامه‌ها و ایجاد هماهنگی در واحدهای تولیدی صنعتی، کشاورزی و خدمات» تشکیل می‌شود (قانون تشکیل شوراهای اسلامی کار، ماده ۱). یکی از وظایف شوراهای اسلامی همکاری با انجمن‌های اسلامی است (همان قانون، ماده ۱۳، بند ب). انجمن‌های اسلامی همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، نهادهای ایدئولوژیک-سیاسی رژیم هستند. در قانون کار، ماده ۱۳۰ وظیفه انجمن‌های اسلامی «تبلیغ و گسترش فرهنگ اسلامی و دفاع از دستاوردهای انقلاب اسلامی» قید شده است.

- نماینده مدیریت در جلسات شوراهای اسلامی کار «شرکت مستمر» دارد (آیین نامه اجرایی قانون شوراهای اسلامی کار، ماده ۹ بند ب). او عضو شورای اسلامی کار است (همان آیین نامه، ماده ۱۷).

- شورای اسلامی موظف است در موارد گوناگون با مدیریت، وزارت کار و نهادهای دولتی دیگر همکاری نماید (همان جا، مواد ۱۲ تا ۱۵). شورای اسلامی کار باید «در زمینه های اجتماعی بروز حوادث، مراجع ذیصلاح را مطلع و همکاری های لازم را معمول دارد» (قانون تشکیل شوراهای...، ماده ۲۰). در این قانون درباره «زمینه های اجتماعی بروز حوادث» توضیحی داده نشده است. اما هر کسی که بنا بر روحیه کلی قوانین جمهوری اسلامی و نحوه فعالیت نهادهای رژیم در محیط های کار آشنا باشد، می داند که منظور از «حوادث» اعتصابات و اعتراضات کارگری است.

- انتخابات شوراهای اسلامی کار باید زیر نظر وزارت کار برگزار شود (همان قانون، ماده ۳). نخستین جلسه این تشکل پس از انتخابات، باید به دعوت نماینده وزارت کار تشکیل شود (همان قانون، ماده ۳ تبصره ۴).

- شرایط عضویت در شوراهای اسلامی چنان دشوار است که تنها سرسپردگان به جمهوری اسلامی و ولایت فقیه را در بر می گیرد. برخی از مفاد این شرایط عبارتند از: «اعتقاد و التزام عطلی به اسلام و ولایت فقیه و وفاداری به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، «عدم گرایش به احزاب و سازمان ها و گروه های غیرقانونی و گروه های مخالف جمهوری اسلامی»، «تابعیت ایران» و «عدم وابستگی به رژیم سابق و نداشتن سابقه محکومیت کیفری که به حکم دادگاه موجب محرومیت از حقوق اجتماعی شده باشد» (همان قانون، ماده ۴). تازه اگر کاندیداهای عضویت از آن هفت خوان رستم گذشتند، باید صلاحیت شان توسط هیئتی سه نفره مرکب از دو نماینده دولت و یک نماینده منتخب مجمع کارکنان، تأیید شود (همان قانون، ماده ۲ تبصره).

- لغو عضویت هریک از اعضای شورای اسلامی کار باید پس از پیشنهاد حداقل دو سوم کل (اعضاء) به تایید هیئت هفت نفره‌ای برسد (همان قانون، ماده ۷). مدیران یا سه نماینده و وزارت کار با یک نماینده مجموعاً اکثریت اعضای هیئت مذکور را که «هیئت تشخیص انحراف و انحلال شوراها» نام دارد، تعیین می‌کنند (همان‌جا، ماده ۲۲).

- اساسنامه شوراهای اسلامی «ت باید مخالف یا موازین اسلامی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران باشد» و باید به تایید شورای عالی کار برسد (آیین‌نامه اجرایی...، ماده ۲). شورای عالی کار نیز بنابر ماده ۱۶۷ از قانون کار، نهادی است که در وزارت کار تشکیل می‌شود و در مجموع نه عضو دارد، اعضای آن عبارتند از: وزیر کار و دو نماینده دیگر از دولت، سه نماینده از کارفرمایان و سه نماینده از «کانون عالی شوراهای اسلامی کار». بدین ترتیب اکثریت نهادی را که فرار است اساسنامه شوراهای اسلامی کار را تایید کند، نماینده‌گان کارفرمایان و دولت تشکیل می‌دهند اما محتوای اساسنامه را نیز در حقیقت دولت تعیین می‌کند. چرا که طبق تبصره مساده دوم از «آیین‌نامه اجرایی قانون شوراهای اسلامی کار» وزارت کار اساسنامه نمونه‌ای را تهیه نموده و پس از تصویب شورای عالی کار، در اختیار واحدها می‌گذارد، روشن است که شوراهای اسلامی مجاز نیستند اساسنامه‌ای تدوین کنند که تفاوت ماهوی با «اساسنامه نمونه» وزارت کار داشته باشد.

- فصل سوم از آیین‌نامه پیشگفته که مواد ۲۱ تا ۲۵ را در بر می‌گیرد، مربوط به «امور داخلی شورا» است. با این حساب هیئت وزیران یا تصویب آیین‌نامه مذکور، حتی جزئیات روابط درونی این تشکل‌های دست‌پرورده خود را نیز تعیین کرده است.

- تشخیص «زمان تشکیل شوراها در شرکت‌های بزرگ دولتی از قبیل شرکت‌های تابع وزارت نفت، شرکت ملی فولاد ایران، شرکت ملی صنایع مس ایران...» به عهده شورای عالی کار است (قانون تشکیل...، ماده ۱۵ تبصره).

- شورای اسلامی موظف است کلیه «مصوبات و تصمیمات» خود را به مدیریت و به «هیئت تشخیص» که اکثریت آن را نماینده‌گان کارفرمایان و دولت تشکیل می‌دهند، گزارش بدهد. بدین منظور تمامی تصمیمات و مصوبات صورت‌جلسه شده و در سه نسخه تنظیم می‌شود. «یک نسخه نزد شورا باقی می‌ماند، نسخه دوم به مدیریت تسلیم و نسخه سوم نیز به هیئت تشخیص ارسال می‌گردد.» (این نامه اجرایی ... ماده ۲۵)

- «کارگران یک واحد، فقط می‌توانند یکی از سه مورد شورای اسلامی کار، انجمن صنفی یا نماینده کارگران را داشته باشند.» (قانون کار، ماده ۱۳۶ تبصره ۴). این نکته بسیار قابل تعمق است. این حکم در واقع مبنای قانونی خدیت شوراهای اسلامی یا تشکل‌های مستقل کارگری است. نفس وجود شوراهای اسلامی در یک کارخانه به معنای غیرقانونی بودن تشکل‌های دیگر است. در کشورهایی که آزادی تشکل به رسمیت شناخته شده، کارگران قانوناً مجازند چند اتحادیه در یک واحد تولیدی یا خدماتی داشته باشند و این مسئله هیچ ربطی به دولت و کارفرمایان ندارد.

- شورای اسلامی نه فقط در برابر «مجمع کارکنان»، بلکه در مقابل هیئت ۷ نفره به نام «هیئت تشخیص انحراف و انحلال شوراها» که پیش‌تر ذکر آن رفت، مسئول است (قانون تشکیل ... ماده ۱۰).

- «هیئت تشخیص انحراف و انحلال شوراها» در هر منطقه تشکیل می‌شود و وظیفه‌اش «بررسی و تشخیص انحرافات شوراها از وظایف قانونی خود و انحلال آن‌ها» است (همان قانون، ماده ۲۲). بنابراین شوراهای اسلامی نه به تصمیم اعضای خود - آن‌طور که در مورد هر تشکل مستقل کارگری معمول است - بلکه با حکم هیئتی ۷ نفره منحل می‌شوند که ۴ تن از اعضای آن نماینده‌گان مدیریت و وزارت کار هستند.

- «مقام ولایت فقیه در صورت مصلحت می‌توانند» در شوراها و اسلامی کار و کلیه تشکلهای کارگری و کارفرمایی قید شده در فصل ششم قانون کار «نماینده داشته باشند» (قانون کار، ماده ۱۳۸).

دامنه تغییر در سیاست‌های خانه کارگر

مستولین خانه کارگر که گاه به ضرورت و دامنه تغییر در سیاست‌های این نهاد اشاره کرده‌اند اما کامل‌ترین توضیحات را یکی از کارگزاران این نهاد در «اردوی دهیران» اجرایی خانه کارگر سراسر کشور» که در مرداد سال ۱۳۸۰ برگزار شد، ارائه داده است. او که افشین حبیب‌زاده نام دارد و مسئول امور اعضای خانه کارگر است، چهار محور «استراتژی تشکیلاتی» جدید خانه کارگر را بر می‌شمارد. این محورها به ترتیب عبارتند از:

۱- «تجمیع مطالبات جامعه کارگری» و افزایش ارتباطات مستقیم با کارگران

۲- «انضباط تشکیلاتی»

۳- توجه بیشتر به مسایل صنفی و واگذاردن «پیگیری مطالبات سیاسی جامعه کارگری به حزب اسلامی کار»

۴- «پیگیری قانون‌مند شدن اعتصابات حرفه‌ای» (کار و کارگر، ۲۰ مرداد ۱۳۸۰، ص ۱۲).

آقای حبیب‌زاده در صحبت‌هایش به جنبه‌های مهمی از تغییر سیاست‌های خانه کارگر اشاره می‌کند، اما گفته‌های وی هنوز همه عرصه‌ها را در بر نمی‌گیرد. به جاست با در نظر داشتن صحبت‌های حبیب‌زاده، بر روی مهم‌ترین این عرصه‌ها درنگ کنیم.

الف- کوشش در جهت جلب توجه کارگران و بیرون آمدن از انزوا؛ خانه کارگر و تشکلهای کارگری رژیم در محیط‌های کار (شوراها و انجمن‌های اسلامی، بسیج و حراست و غیره) سال‌هاست که در انزوا به سر می‌برند. کارگران به عین‌ه و در زندگی

روزمره ضدیت شوراهای اسلامی کار و نهاد هماهنگ‌کننده آنان - خانه کارگر - را با منافع‌شان دیده‌اند و به سادگی به آنان اعتماد نمی‌کنند. همین امر باعث انزوای تشکل‌های دولتی در محیط‌های کار شده است. خانه کارگر و جریان‌های وابسته به آن تلاش‌هایی را برای بیرون آمدن از این وضعیت صورت داده‌اند آنان از یک سو برخی از خواسته‌های کارگران را نظیر افزایش دستمزدها، پرداخت به‌موقع دستمزدها و لغو قراردادهای موقت مطرح می‌کنند؛ خواستار «حق اعتصاب صنفی» می‌شوند و از طریق نماینده‌گان‌شان در مجلس بحث‌هایی را درباره معافیت مالیاتی برای کارگران دامن می‌زنند از سوی دیگر در برخی از اعتراضات کارگری شرکت می‌نمایند و به مناسبت‌های گوناگون دعوت به اجتماعات کارگری می‌کنند.

در عرصه تبلیغاتی نیز روزنامه «کار و کارگر» از هیچ اقدامی برای معرفی کردن شوراهای اسلامی به عنوان «نمایندگان کارگران» و بزرگ‌نمایی درباره «زحمات بی‌شائبه» این نهادها و هم‌چنین اشخاصی مانند علی رضا محجوب، حسن صادقی، عبدالرحمن تاج‌الدین و سهیلا جلودارزاده در «حقوق حقوق جامعه کارگری» فروگذار نمی‌کند.

ب- تمرکز بر روی مسائلی «صنفی» و اقتصادی کارگران؛ همان‌گونه که افشین حبیبزاده در اردوی پیش‌گفته اشاره می‌کند، بین خانه کارگر و حزب اسلامی کار تقسیم‌کاری پدید آمده که بر مبنای آن نهاد اول قرار است عمدتاً خواسته‌های اقتصادی و نهاد دوم خواسته‌های سیاسی کارگران را پیگیری کند. بر این اساس خانه کارگر بیش از پیش ظاهر یک تشکل اتحادیه‌ای را به خود می‌گیرد. این موضوع را علی رضا محجوب، دبیر کل خانه کارگر که در عین حال یکی از بنیان‌گذاران حزب اسلامی کار نیز هست، در جلسه‌ای با نمایندگان مؤسسه تحقیقاتی فردریش ابرت آلمان که در اوایل مهر ماه سال ۱۳۷۹ برگزار شد، چنین بیان می‌کند: «تا سه سال پیش تشکیلات ما، یک تشکل صنفی - سیاسی بود اما از آن وقت تاکنون در این جهت حرکت کردیم که یک تشکیلات تمام عیار صنفی باشیم و اکنون شمای کلی

تشکیلات ما یک تشکیلات تمام عیار اتحادیه‌ای است. اما الان نقش رؤسای اتحادیه‌ها در تشکیلات ما آن‌چنان که باید نیست» (به نقل از محسنی، استراتژی جمهوری اسلامی در قبال جنبش کارگری، اردیبهشت ۱۳۸۰، ص ۴۱). البته معلوم نیست آقای محبوب در کشوری که تمام تشکل‌های عضو «خانه کارگر» دست‌پرورده و زیر نظر دولت هستند، از کدام «رؤسای اتحادیه‌ها» صحبت می‌کند. اما نکته مورد نظر در این جا تاکید محبوب بر یک «تشکیلات تمام عیار صنفی» است. ۹ ماه بعد محبوب همان ایده را به شکل دیگری تکرار می‌کند: «جامعه کارگری باید با تمسک به فرهنگ اتحادیه‌ای تمام توان خود را در صنفی کردن حرکت‌های خود متمرکز نماید.» (کار و کارگر، ۷ خرداد ۱۳۸۰، ص ۲)

۳- *ارایش جدید تشکیلاتی:* خانه کارگر بیش از پیش در صدد متشکل نمودن و هماهنگ کردن فعالیت‌های شوراهای اسلامی کار در سطوح مختلف است. در همین راستا است که از اوایل سال ۱۳۷۹ شوراهای اسلامی کار در هر رشته صنعتی یا خدماتی، تحت عنوان اتحادیه آن رشته سازمان‌دهی می‌شوند تا به حال بر این منوال شوراهای اسلامی کار در بیمارستان‌ها، صنعت نساجی، صنعت آب و برق و واحدهای دارویی، بهداشتی و آرایش «اتحادیه‌هایی» را به وجود آورده‌اند. روشن است که این گونه نهادها تنها نام «اتحادیه» را یدک می‌کشند و ماهیتا هیچ شباهتی با اتحادیه‌های واقعی ندارند. آن‌ها قرار است پوششی باشند برای شوراهای اسلامی کار در هر شاخه صنعتی و خدماتی، تا بتوانند با اختیارات بیشتری با کارفرمایان آن شاخه وارد مذاکره شوند. در این ارتباط عزت‌اله پازوکی، دبیر «اتحادیه کارگران صنعت آب و برق»، هدف از تشکیل این نهاد را «هماهنگی بین شوراهای اسلامی کار در جهت رفع مشکل شاغلین این صنعت» می‌خواند (کار و کارگر، ۱۵ آذر ۱۳۸۰، ص ۱). علی رضا محبوب نیز در جمع اعضای شوراهای اسلامی کار صنایع ساختمانی تهران می‌گوید: «تشکیل اتحادیه‌های کارگری گامی در جهت توسعه مذاکرات و پیمان‌های دسته‌جمعی در سطح حرفه و صنعت است.» (کار و کارگر، ۷ خرداد ۱۳۷۹، ص ۸). او در ادامه صحبتش در مورد تقویت تشکل‌های وابسته به خانه کارگر می‌افزاید: «ما

برای تشکیل اتحادیه‌ها در ابتدای حرکت و اقدامات اولیه هستیم و باید به سمتی حرکت کنیم که اولاً تشکل‌های کارگری که قبلاً به وجود آمده تقویت شوند و از طرفی پشتیبانی قانون را در این جهت با این‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های قانونی داشته باشیم.» (همان‌جا)

آن‌طور که از مصاحبه حسن صادقی، رئیس قانون عالی شوراهای اسلامی کار، با خبرگزاری ایسنا بر می‌آید، قرار است این «اتحادیه‌ها» در آینده در نهادی به نام «کنفدراسیون عالی کارگران» متشکل شوند (کار و کارگر، ۳۰ آبان ۱۳۸۰، ص ۱).

ت- مذاکره و توافق با نماینده‌گان دولت و کارفرمایان: این عرصه پیش‌تر هم مورد نظر مسئولین خانه کارگر بود و در این راستا اقداماتی نیز از سوی سه طرف صورت می‌گرفت، به عنوان مثال به «شورای عالی کار» که هر ساله درباره میزبان دستمزدها نظر می‌دهد، دولت، کارفرمایان و شوراهای اسلامی هر کدام سه نماینده می‌فرستند. اما در سال‌های اخیر تحولات بیشتری در این زمینه صورت می‌گیرد و به‌خصوص دولت و خانه کارگر تمایل بیشتری برای مذاکرات سه‌جانبه نشان می‌دهند. (۴) تا آن‌جا که وزیر کار جدید، سید صفدر حسینی، شعار خود را سه‌جانبه‌گرایی قرار داده است.

طبعاً مسئولین خانه کارگر که مایلند در نقش «نماینده قانونی کارگران» ظاهر شوند و مفید بودن خویش را به دولت و کارفرمایان ثابت نمایند، از این مذاکرات استقبال می‌کنند. بر همین بستر در روزهای ۱۷ تا ۱۹ اردی‌بهشت سال ۱۳۸۰ دومین «همایش ملی کار» با حضور نماینده‌گان دولت، تشکل‌های کارفرمایی و خانه کارگر بر پا شد و قطعنامه‌ای در ۲۶ بند را به تصویب رساند. در بند اول این قطعنامه آمده است: «همایش با اعتقاد راسخ به اصل سه‌جانبه‌گرایی خواستار آن است که گفتگوی سه‌جانبه دولت، کارگر و کارفرما به عنوان نهاد مشورتی تمامی سیاست‌ها، تصمیم‌ها و راه‌کارهای عملی مربوط به بازار کار به عنوان ضرورت در دبیرخانه همایش ملی کار همچنان ادامه یابد.» (کار و کارگر، ۲۰ اردی‌بهشت ۱۳۸۰، ص ۱)، در بند نهم

«تشکیل کمیسیون دائمی سه جانبه آموزش فنی و حرفه‌ای... به منظور کمک به گسترش آموزش‌های ضمن کار برای مدیران و کارگران» پیش‌بینی شده است. علاوه بر آن، در بندهای دیگر قطعنامه همکاری‌هایی در سایر زمینه‌ها بین سه طرف قید شده است.

البته هیچ‌کدام از این توافقات و قطعنامه‌ها تاکنون کوچک‌ترین تاثیر مثبتی بر سطح معیشت و زندگی کارگران نگذاشته است. خود محبوب با اشاره به تحولات سه سال اخیر اظهار می‌کند: «در دوره اخیر شاهد انعقاد سه نشست سه جانبه و چندین نشست دو جانبه بوده‌ایم. با این که تفکر سه‌جانبه‌گرایی و تمایل دولت جمهوری اسلامی ایران را برای تحقق این نیست والا، تقدیر می‌کنیم. اما هیچ‌یک از این نشست‌ها با وجود صدور قطعنامه‌های غلاظ و شداد هیچ‌نوع تأثیری در زندگی روزمره کارگران نداشته است.» (کار و کارگر، ۵ دی ۱۳۸۰، ص ۱۰).

در مجموع می‌توان گفت خانه کارگر در عرصه پیشبرد مذاکرات سه جانبه فعال‌تر شده است. ضمن این که آن‌طور که حسن صادقی بیان می‌کند، چشم‌انداز خانه کارگری‌ها انجام مذاکرات مستقیم با نماینده‌گان تشکل‌های کارفرمایی است. او می‌گوید: «کم کردن نقش دولت در مسایل کارگری و کارفرمایی و افزایش مذاکرات، توافقات و پیمان‌های دو جانبه، یکی از عوامل اصلی در کاهش اختلافات تشکل‌های کارگری و کارفرمایی است.» (کار و کارگر، ۲۰ آبان ۱۳۸۰، ص ۱)

انگیزه‌های سیاست جدید خانه کارگر

از میان سردمداران خانه کارگر، هیچ‌کس به اندازه حسن صادقی با صراحت بر لزوم تغییر در ساختار این نهاد و شرایط و خیمی که در آن گرفتار شده، تأکید نکرده است. او در جمع دبیران اجرایی خانه کارگر می‌گوید: «بازسازی تشکیلاتی خانه کارگر امری ضروری است، چرا که حفظ وضع موجود برای جامعه کارگری به منزله سم است. اگر می‌خواهیم تشکیلاتمان بماند، اگر می‌خواهیم جامعه کارگری پویا شود باید از این

پوسته فرسوده و تنگ کنونی خارج شویم و با اصلاحات ساختاری، نوعی بازسازی انبساطی را برای تشکیلات در پیش بگیریم.» (کار و کارگر، ۲۰ مرداد ۱۳۸۰، ص ۱). تاکید در اصل نیست.) البته آقای صادقی هنگامی که ادامه حیات تشکیلات خود را با «پویا شدن جامعه کارگری» همسان می‌گسبرد، به کلی گزافه می‌گوید. برعکس، بسیاری از مشکلات جنبش کارگری ناشی از وجود تشکیلات ایشان است. به این نکته در بخش‌های دیگر خواهیم پرداخت. اما مسئله اساسی در صحبت‌های صادقی اعلام خطر او مبنی بر وضعیت اوضاع خانه کارگر است. از نظر او مسئله حیاتی است. پای ماندن یا نماندن خانه کارگر در میان است. «بازسازی انبساطی تشکیلاتی» نیز نوعی اعتراف به بی‌اعتبار و منزوی بودن خانه کارگر در میان کارگران است. او در ادامه صحبت‌هایش به ترازنامه فعالیت خانه کارگر اشاره می‌کند: «در شرایط حاضر خانه کارگر نیز نه تنها نتوانسته آن‌گونه که انتظار می‌رفت، مشکلات و آلام جامعه کارگری را تسکین دهد، بلکه حتی نمی‌توان خانه کارگر را در شکل‌گیری و استمرار این مشکلات فاقد نقش دانست. ما باید تغییر استراتژی بدهیم. استراتژی که ما تا به امروز دنبال کرده‌ایم، در شرایط کنونی فاقد کارایی دل‌خواه است. باید از این پس استراتژی انبساط تشکیلاتی را در پیش بگیریم.» (همان‌جا، ص ۲)

پس تا این‌جا خود آقای صادقی اعتراف می‌کند که اولاً خانه کارگر نه تنها گامی در جهت رفع مشکلات کارگران برنداشته، بلکه در «شکل‌گیری و استمرار» این «مشکلات و آلام» نقش داشته است. ثانیاً خط مشی تاکنونی خانه کارگر به شکست انجامیده و کارایی ندارد. خانه کارگر ناگزیر است به هر ترتیب شده، در میان کارگران اعتباری به دست آورد.

اینک حتی سردم‌داران خانه کارگر معترف‌اند که تقلای این نهاد برای تغییر خط مشی‌اش نه از موضع قدرت و داشتن ابتکار عمل که از سر ضعف است. امثال صادقی به این نتیجه رسیده‌اند که اگر اوضاع بر همین مضوال پیش برود، حتی موجودی

تشکیلات‌شان به خطر می‌افتد اما علت این نتیجه‌گیری و شکست «استراتژی» تاکنونی خانه کارگر چیست؟

علت را باید- در پایه‌ای‌ترین سطح - در جایگاه خانه کارگر در مناسبات کار و سرمایه و رابطه این تشکل با کارگران، کارفرمایان و دولت جستجو کرد. منتهی آن‌چه در زنجیره عوامل، حلقه اصلی را تشکیل می‌دهد و در این مقاله مورد نظر است، موقعیت خانه کارگر در جنبش کارگری است. چرا که خانه کارگر تنها در صورتی قادر خواهد بود به عنوان طرف مذاکره با کارفرمایان و دولت روبه‌رو گردد که بتواند نفوذ قابل ملاحظه‌ای در میان کارگران داشته باشد، بدون این نفوذ، بدون آن‌که دولت و کارفرمایان بتوانند روی توانایی خانه کارگر در مهار و کانالیزه کردن اعتراضات حساب کنند، حنای آن رنگی نخواهد داشت.

بر کم‌تر کسی پوشیده است که طبقه کارگر ایران امروزه یکی از پرمشقت‌ترین دوره‌های تاریخ خود را تجربه می‌کند. عدم امنیت شغلی، تن دادن به کارهای جانبی، به تعویق افتادن دستمزدها، کار در جمعه‌ها و روزهای تعطیل، دستمزد نساچیز، جرایم گوناگون، مشکلات تغذیه، پایین آمدن عمر متوسط کارگران، وجود میلیون‌ها بیکار، سرکوب اعتراضات و نارضایتی‌ها، نداشتن حق تشکل و اعتصاب، همه و همه زندگی را بر کارگران تباہ کرده است. تعرض جمهوری اسلامی و کارفرمایان در چنان گستره‌ای در جریان است که اعتراضات کارگری غالباً با مطالبات دفاعی و برای حفظ وضع فلاکت‌بار موجود صورت می‌گیرد. خواسته‌های جلوگیری از بیکارسازی‌ها و تعطیل کارخانه‌ها، پرداخت دستمزدهای عقب مانده و لغو قراردادهای موقت در صدر خواسته‌های کارگری قرار دارند در این میان خانه کارگر نه تنها هیچ دردی را از کارگران دوا نکرده، بلکه به قول صادقی در استمرار و شکل‌گیری آلام و مشکلات کارگری نقش داشته و مقصر بوده است. بنابراین قابل درک است که کارگران این تشکیلات مزاحم و بدنام دولتی را از آن خود ندانند و به آن اعتماد نکنند.

از سوی دیگر، علی‌رغم تدافعی بودن خواسته‌ها، کارگران در بسیاری موارد اشکال حادّی را برای بیان اعتراضات‌شان انتخاب می‌کنند. آن‌ها اعتراضات خود را از چارندپواری کارخانه فراتر می‌برند و به درون خیابان‌ها می‌کشانند. راهپیمایی، بستن راه‌ها، تجمع در مقابل مجلس و ادارات دولتی و تحصن در خارج از کارخانه جزو اشکال متداول مبارزه است. کارگران کارخانه‌های نساجی بارش در اصفهان، چیت ری، بافناز اصفهان، کامراد قم، کفش شادان پور و پوشاک جامکو در اطراف تهران، خدمات شهرداری همدان، پشم‌بافی کشمیر در کرمانشاه، ریسندگی رحیمزاده در اصفهان، چیت‌سازی بهشهر، کره فر اصفهان و راننده‌گان اتوبوس‌رانی ارومیه جزو عده‌ای بودند که در سال ۱۳۸۰ به اشکال حاد مبارزه متوسل شدند. در چنین شرایطی است که علی‌رضا محبوب از «بهران‌های کارگری» صحبت می‌کند (کار و کارگر، ۱۹ تیر ۱۳۸۰، ص ۲).

گسترش مبارزات کارگری در فضای پرتلاطم جامعه ایران، خانه کارگر را بر سر دو راهی قرار داده است: یا باید همان خط مشی قدیمی را ادامه دهد، خط مشی‌یی که اساسش مخالفت با خواسته‌های کارگری و همکاری فعال با نهادهای سرکوب رژیم در محیط‌های کار بود. و یا با بخشی از خواسته‌ها و اعتراضات کارگران همراه شود تا بتواند در نهایت امکانی برای جهت دادن به آن‌ها به‌دست آورد. بتواند خود را در نقش «تعمابنده قانونی» کارگران جا ببندد. و در عین حال کماکان در جهت شناسایی کارگران مبارز و سرکوب فعالیت‌های مستقل کارگران با نهادهای دیگر رژیم همکاری کند. منتهی وظیفه اخیر را با خلرافت و پوشیده‌گی بیشتری انجام دهد تا قادر باشد اعتماد بخشی از کارگران را جلب نماید. سران‌خانه کارگر به این نتیجه رسیده‌اند که راه دوم در موقعیت کنونی برای بیشتری دارد. تمام تحرکات آنان با این جهت‌گیری پایه‌ای مرتبط است.

نحوه دفاع از خواسته‌های کارگری

با توجه به آنچه تاکنون اشاره شد، ببینیم شوراهای اسلامی کار و خانه کارگر در چند سال اخیر عملاً چه می‌کنند و چگونه و از چه موضعی بخشی از خواسته‌های کارگران را مطرح می‌نمایند.

مقدمتاً باید گفت نفس مطرح کردن چند خواست کارگران از جانب نهادهای مذکور به خودی‌خود امر مثبتی نیست. باید دید این جماعت با چه اهداف و انگیزه‌ای و چگونه این شعارها را پیش می‌کشند. باید از واقعیت جامعه ایران و موقعیت انفجارآمیز محیط‌های کار بی‌خبر بود، تا چند شعار خانه کارگری‌ها را به فال نیک گرفت. این نکته را یکی از فعالین کارگری در داخل کشور در مصاحبه‌ای با بخش «اخبار روز»، صفحه اینترنتی «سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت»، به خوبی بیان می‌کند. او در پاسخ به سؤالی مبنی بر این که تعدادی از شعارهایی که خانه کارگری‌ها در تظاهرات اول ماه مه سال ۱۳۸۰ مطرح می‌کردند، شعارهای جنبش کارگری نیز بوده و این که آن «موضوع را شما چگونه توجیه می‌کنید؟» می‌گوید:

«بله درست است. اما مگر آنان می‌توانستند بدون این که حداقل بخشی از این شعارها را مطرح کنند، مشروعیتی برای خود باقی گذارند؟ چنین به نظر می‌رسد که شما در خارج از کشور از درک واقعی آن حقایقی که در این‌جا جریان دارد غافل هستید و عمق و خامت اوضاع کشور و شرایط کارگران و مزدبگیران را آن‌طور که هست لمس نمی‌کنید که این‌گونه در این باره اظهار نظر می‌کنید همان‌طور که قبلاً نیز گفتیم، وضعیت اجتماعی و معیشتی کارگران و کارمندان در ایران فاجعه‌بار است. من کلمه‌ای مناسب‌تر از فاجعه برای بیان وضعیت کارگران و مزدبگیران پیدا نکردم. اما امروز با اطمینان می‌گویم نسبت به یک سال پیش نه تنها وضعیت بهتر نشده، بلکه فاجعه‌بارتر هم شده است. بیایید ببینید در این‌جا چه خبر است. چقدر جوان بیکار شب‌ها را در زیر آسمانی که به اندازه آینده و سرنوشت آن‌ها مه‌آلود و تیره است سر می‌کنند. چقدر زن و دختر جوان ... بدون شرم و ترس برای گذران زندگی در دزدان‌

خود در ازای لقمه‌ای نان خودفروشی می‌کنند. مواد مخدر مانند نقل و نبات در میان جوانان پخش و توزیع می‌شود. خیابان‌ها مملو از جوانان ولگرد، کودکان خیابانی بی‌سرپرست، زنان و مردان پاک‌باخته کارگران بیکار و شاغلین بی‌مزد است. شما فکر می‌کنید کودکان ولگردی که در میان زیاله‌ها برای یافتن روزی خود در کثافت غوطه می‌خورند فرزندان چه کسانی هستند؟ در یک چنین شرایط انفجاری آیا مطرح کردن چند خواست کارگران که در واقع امر بخشی از دست‌آوردهای بدیهی مبارزات کارگران در گذشته بوده و به وسیله رژیم جمهوری اسلامی و کارفرمایان از آنان بازستانده شده شق القمر است؟ تازه مگر این آقایان جز دادن همین چند شمار توافقی کار مثبت دیگری هم برای کارگران کرده اند ...» (یکی از فعالین جنبش سندیکایی در گفتگو با «اخبار روز»، ۵ خرداد ۱۳۸۰)

پس از این توضیحات، ببینیم در حال حاضر نقش شوراهای اسلامی و خانه کارگر در ارتباط با نارضاقتی‌ها، اعتراضات و مطالبات کارگران چیست. یکی از جنبه‌های مهم فعالیت روزمره این نهادها پیش‌گیری از اعتراضات کارگری، هشدار به موقع به مقامات نظام و خاتمه فوری به «تنش‌های کارگری» است. این جنبه چنان برجسته است که حتی در شماره‌های گوناگون «کار و کارگر» نیز گوشه‌هایی از آن منعکس می‌شود. ذکر چند نمونه بی‌فایده نیست:

- مدیر کل کار استان اصفهان به نام برایی، در مراسمی به مناسبت روز جهانی کارگر گزارش می‌دهد که «با وجود ۱۷۵ مورد تنش کارگری در واحدها با تلاش و همکاری تشکل‌های کارگری و مسئولان استان، هیچ‌گونه موضوع حادی پیش نیامده و این در شرایطی است که بعضی از کارگران تا چهار ماه حقوق و مزایا دریافت نکرده‌اند.» (کار و کارگر، ۱۲ اردیبهشت ۱۳۸۰، ص ۹)

- جبار علی سلیمیان که به عنوان «نماینده کارگران ایران» به اجلاس سازمان بین‌المللی کار فرستاده شده بود، در بخشی از سخنانش در مورد زیان‌بار بودن قراردادهای موقت گفت: «در این‌جا به مسئولین ذی‌ربط در ایران هشدار داده می‌شود،

چنانچه اقدام عاجلی صورت نگیرد این آتش‌فشان غیرفعال منفجر خواهد شد و اثرات تخریبی زیادی خواهد داشت که آن نه به صلاح مملکت و نه به صلاح نظام است.» (کار و کارگر، ۲ تیر ۱۳۸۰، ص ۲)

- کانون هم‌هنگی شوراهای اسلامی کار و تشکیلات استان اصفهان خانه کارگر در نامه‌ای خطاب به مقامات دولتی در ارتباط با صنعت نساجی اصفهان هشدار دادند: «با این شرایط صبر و تحمل کارگران به سر آمده و اگر اقدامی عاجل به عمل نیاید، شاهد اعتراضات و بحران‌های گسترده کارگری خواهیم بود که این امر به هیچ‌وجه به نفع نظام و کشور نمی‌باشد.» (کار و کارگر، ۲۷ مرداد ۱۳۸۰، ص ۵). مدتی بعد «اتحادیه نساجی» نیز با انتشار بیانیه‌ای، هشدار مشابهی داد: «این بحران بزرگ اجتماعی - اقتصادی می‌رود تا به شکل تهدیدی جدی برای امنیت ملی و ارکان نظام درآید.» (کار و کارگر، ۷ مهر ۱۳۸۰، ص ۴). البته مقامات دولتی به این هشدارهای خیرخواهانه برای نظام و «امنیت ملی» گوش ندادند و همان‌طور که در جریان هستیم، اعتراضات کارگری در کارخانه‌های نساجی اصفهان بالا گرفت.

-- حسن صادقی کارگران را به آرامش و گفتگو دعوت می‌کند و آنان را از اعتراض و مبارزه برحذر می‌دارد. او در یک «لرودی فرهنگی، آموزشی و زیارتی» در مشهد گفت: «دفاع از منافع کارفرمایان حق آنان است و کارگران نیز باید برای رسیدگی به حق خود روحیه تعامل و گفتگو و کسب اعتماد را دنبال کنند.» (کار و کارگر، ۱۳ آبان ۱۳۸۰، ص ۹)

علیرغم همه این‌پند و اندرزها و هشدارها، نارضایتی‌ها و اعتراضات کارگری افزایش یافته است. گلایه سهیلا جلودارزاده، نماینده مجلس، مبنی بر این که «تا کی نمایندگان کارگران می‌توانند جلوی کارگرانی نظیر بارش اصفهان را بگیرند» (کار و کارگر، اردی‌بهشت ۱۳۸۰، ص ۱۰) بی‌ربط نیست، هر چند ایشان وسط دعوا نرخ تعیین کرده و خانه کارگری‌ها را «نمایندگان کارگران» اعلام می‌نماید البته

شوراهای اسلامی و خانه کارگر به همان اندازه «نمایندگان کارگران» هستند که خود خاتم جلودارزاده نماینده مردم ایران در مجلس اسلامی است.

در هر صورت راه‌پیمایی‌ها، تحصن‌ها، بستن جاده‌ها و اعتصابات در حال افزایش‌اند و خانه کارگری‌ها باید در عمل چاره‌های دیگری بیاندیشند. از مهم‌ترین این راه‌ها دعوت کارگران به آرامش، استفاده از «راه‌های قانونی» و تهدید کارگران مبارز است. به عنوان مشتی نمونه خروار، توجه‌تان را به چند مثال جلب می‌کنم:

- روز ۲۲ خرداد ۱۳۸۰ صدها تن از کارگران جهت ری به سمت ساختمان مجلس شورای اسلامی راه‌پیمایی نموده و در آنجا تجمع کردند. ابولقاسم سرحدی‌زاده، نماینده مجلس و دبیر کل حزب اسلامی کار در اجتماع کارگران حاضر شد و از آنان خواست «از ادامه تحصن منصرف شوند» (کار و کارگر، ۲۳ خرداد ۱۳۸۰، ص ۲). او روز بعد نیز در اجتماع مشترک کارگران کفش شادان‌پور و چیت ری در جلوی مجلس حاضر شد. آنان را به آرامش دعوت کرد و «از کارگران چند روز مهلت خواست تا به مشکلات آنان رسیدگی شود» (کار و کارگر، ۲۴ خرداد ۱۳۸۰، ص ۲).

- کارگران بافتاز اصفهان در ۱۵ مرداد برای بار چندم به اعتراض دست زدند. آنان این‌بار به تحصن پرداخته و خیابان چهار باغ اصفهان را برای مدتی مسدود نمودند. اعضای شورای اسلامی کارخانه کوشیدند کارگران خشمگین را از انجام اعتراض‌شان منصرف کنند اما در این امر موفقیتی به دست نیاوردند. مطلب را از زبان خبرنگار روزنامه «کار و کارگر» بشنویم: «گفتنی است سیاه‌مردان، عضو شورای اسلامی کار کارخانه بافتاز در تحصن حاضر شده و متحصنین را به آرامش دعوت نمود، اما کارگران هم‌چنان به تحصن خود ادامه می‌دهند و ترافیک سنگینی را در خیابان چهار باغ بالای اصفهان به وجود آورده‌اند» (کار و کارگر، ۱۶ مرداد ۱۳۸۰، ص ۱).

- در روز ۱۲ مهر ۱۳۸۰ هزاران تن از کارگران نساجی اصفهان در اعتراض به قانون مصوبه مجلس، موسوم به «قانون حمایت از بازسازی و نوسازی نساجی کشور»، به خیابان‌ها ریختند و راه‌پیمایی اعتراضی ایشان توسط نیروهای انتظامی سرکوب شد.

پیش از آن کارگران به تلاش‌های خانه کارگر برای خواباندن این حرکت، اعتنایی نکرده بودند. در این باره در «کار و کارگر» مورخ ۱۴ مهر ۱۳۸۰ از قول یکی از اعضای هیئت اجرایی خانه کارگر اصفهان می‌خوانیم: «کارگران پنج‌شنبه در خانه کارگر تجمع کرده و خواهان برپایی راه‌پیمایی شدند. مسئولان خانه کارگر تمام تلاش خویش را به کار بستند تا کارگران را از این عمل برحذر نمایند که کارگران خواسته مسئولان خانه کارگر را نپذیرفته و بر انجام راه‌پیمایی اصرار ورزیدند. ما تاکید داریم که این موضوع به صورت مسالمت‌آمیز بررسی شود و هیچ‌گاه دوست نداریم که مسایل صنفی کارگری دستاویزی برای دشمنان اسلام و نظام و خوراک تبلیغاتی رسانه‌های بیگانه شود.»

- ابوالقاسم سرحدی‌زاده در مصاحبه‌ای با خبرگزاری ایسنا پیرامون «بحران‌های کارگری در واحدهای تولیدی» تهدیدهای همیشه‌گی علیه کارگران مبارز را تکرار کرد و گفت: «... البته ممکن است عده‌ای نیز با اغراض سیاسی و به هدف براندازی و ضدیت با اصل نظام از هر فرصتی برای ایجاد آشوب سوءاستفاده کنند که این را باید دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی بررسی نمایند.» (کار و کارگر، ۱۷ تیر ۱۳۸۰، ص ۳)

- در اواخر آبان ماه کارگران چیت بهشهر از جمله با خواست پرداخت ۱۲ ماه حقوق عقب افتاده خود، جاده بهشهر - مشهد را به مدت سه روز بستند و نیروهای انتظامی نیز به اجتماع آنان حمله‌ور شدند. نصراله دربابیگی، دبیر اجرایی خانه کارگر در استان مازندران، در مصاحبه‌ای با ایرنا، اگر چه خود را مدافع خواست کارگران و نامود کرد، اما در نهایت با همان زبان آشنای سرکوب‌گران، برای کارگران مبارز خط و نشان کشید و گفت: «کارگران شریف و متعهد استان ضمن پیگیری مشکلاتشان به فرصت‌طلبان اجازه نخواهند داد از تجمع صنفی آنان در جهت مقاصد خاص سوءاستفاده کنند.» (ایرنا، سرویس اقتصادی، ۱۹ / ۱۱ / ۲۰۰۶)

ترفند دیگر خانه کارگری‌ها بیرون بردن سیاست‌های ضد کارگری جمهوری اسلامی از زیر ضرب و منحرف کردن توجه کارگران به سوی مسایل دیگر است. این

کار به اشکال بسیار متنوعی صورت می‌گیرد. در این جا به سه عرصه مهم از آن می‌پردازیم:

الف- متمرکز کردن انتقاد بر بخش خصوصی و «مدیران بد»: در تبلیغات خانه کارگر و نهادهای رژیم در محیط‌های کار، معمولاً کاسه کوزه‌ها بر سر مدیران و کارفرمایان «بد و نالایق» شکسته می‌شود. به دولت عمدتاً از این زاویه انتقاد می‌شود که چرا خصوصی‌سازی‌ها را به طور بی‌رویه پیش می‌برد و کارخانه‌ها را به دست مدیران ناشایسته می‌سپارد. گه‌گاه به این یا آن سیاست رژیم نیز انتقاد می‌شود. اما نکته کلیدی یعنی رابطه تنگاتنگ جمهوری اسلامی با بورژوازی ایران پنهان می‌شود.

در این جا مجال بررسی سیاست‌های اقتصادی جمهوری اسلامی در سال‌های اخیر و اتفاق نظر همه جناح‌های رژیم در حمایت از کلیت مناسبات سرمایه‌داری نیست. اما ذکر دو نکته ضروری است:

اولاً سیاست‌های جمهوری اسلامی مبنی بر «تعدیل نیروی انسانی»، تقویت بخش خصوصی و «توسازی صنایع» قرار است تماماً به خرج کارگران و به قیمت فلاکت بیش‌تر آنان پیش برود. رتوس اقدامات ضدکارگری رژیم از پایان جنگ به این سو عبارتند از: طرح «تعدیل نیروی انسانی» که منجر به بیکارسازی‌های گسترده شد و این روند هم‌چنان ادامه دارد؛ بخشی از کارگران اخراج شده دوباره به عنوان کارگر موقت و در شرایط کاری به مراتب وخیم‌تری استخدام می‌شوند. پایین آوردن دستمزدهای واقعی و قدرت خرید کارگران، به نحوی که مزدها با آهنگی کندتر از نرخ تورم رسمی افزایش می‌یابند. قانونی کردن استخدام کارگران موقت از طریق بخش‌نامه مورخ ۱۳۷۳/۱۲/۱۵ وزارت کار؛ بدین ترتیب کارفرمایان فرصت یافتند به گونه‌ای هدفمند از تعداد کارگران رسمی خویش کاسته و بر عهده کارگرانی که با قراردادهای موقت به کار واداشته می‌شوند، بیافزایند. (۵) این کارگران که اغلب باید هر ۸۹ روز یک بار قراردادشان را تمدید کنند، از هیچ‌گونه امنیت شغلی برخوردار نیستند، دستمزدها و مزایای کم‌تری می‌گیرند و شدیدترین ستم‌ها در محیط کار به